



بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با کار آفرینی هنرجویان هنرستان های کشاورزی استان

تهران

شهاب نبی زاده^{۱*}، نازیلا نبی زاده^۲، حسین زینتی^۳

^۱دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی دانشگاه آزاد میانه

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه زنجان

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تهران

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با کارآفرینی هنرجویان هنرستان های کشاورزی استان تهران انجام گرفته است. جامعه آماری در این تحقیق شامل هنرجویانی است که در هنرستان های کشاورزی استان تهران تحصیل نموده اند و پس از پایان تحصیلات متوسطه جذب بازار کار شده و موفق به راه اندازی یک کسب و کار شخصی متناسب با آموخته های هنرستانی گردیده اند که کسب و کار آنها حداقل دارای ۲ سال عمر فعالیت می باشد. در این راستا فارغ التحصیلان سال های ۸۷-۱۳۷۸ به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند. بهره گیری از اطلاعات موجود در هنرستانهای استان و ایجاد ارتباط با افراد مطلع و با بهره گیری از نمونه گیری هدفمند ۸۱ پرسش نامه توزیع گردید. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه ای بود که روایی آن بوسیله جمعی از متخصصان تایید گردید و قابلیت اعتماد آن از طریق ضریب کرونباخ ۰/۹۳ برآورد شد. نتایج این تحقیق در خصوص تاثیر گذاری ۱۲ متغیر مورد مطالعه بر کارآفرینی هنرجویان نشان داد که از میان متغیرهای مستقل مورد مطالعه ۱۰ متغیر دارای رابطه معنا دار با بروز رفتار کارآفرینی می باشند به عبارت متغیرهای ریسک پذیری، مرکز کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، تحمل ابهام، استقلال طلبی، گروه خانواده و دوستان، آموزش، الگوی نقش، موقعیت اجتماعی و ترس از بیکاری و نیاز مادی با بروز رفتار کارآفرینی در هنرجویان مرتبط می باشد و ۲ فرضیه دیگر شامل سبک، شرایط زندگی و تجربه کاری با بروز رفتار کارآفرینی در هنرجویان مرتبط نمی باشند. در انتها نیز به منظور بهبود شرایط فعلی پیشنهاداتی در جهت افزایش کارآفرینی در بین فارغ التحصیلان هنرستان های کشاورزی مطرح شده است.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، هنرجویان، هنرستان، کشاورزی، تهران



مقدمه:

با توجه به رشد جمعیت در ۱۳۵۸-۱۳۶۸ و رسیدن آن موج به دهه ۱۳۸۰، عدم رونق اقتصاد کشاورزی، گسترش بی رویه آموزش عالی کشاورزی و عرضه فراوان تحصیل کرده کشاورزی، سیاستهای دولت در کوچک کردن ساختار خود و عدم توان بخش خصوصی کشاورزی در جذب دانش آموختگان به علت سنتی بودن ساختار تولید و نظام بهره بر داری خرده پا، در صورت ادامه روند موجود کشور با تشدید بیکاری روبرو است. از طرف دیگر از حدود ۳۳۰۰۰۰۰ نفر فعال بخش کشاورزی تعداد کمی متخصص و آموزش دیده در این بخش می باشند. اسکندری (۱۳۸۶) لذا عدم مهارت و آگاهی فعالان این بخش سبب گردیده تا در تولید بهینه موفقیتی حاصل نگردد. هنرستانهای کشاورزی با هدف آموزش مهارتهای کشاورزی تلاش می کند تا روند سنتی کشاورزی را از بین برده و زمینه بروز کشاورزی علمی را فراهم نماید با توجه به مشکلات بیکاری برای فارغ التحصیلان دانشگاهی در حوزه کشاورزی این مشکل در مورد هنرجویان هنرستانهای کشاورزی دوچندان می باشد. اعتقاد بر این است که شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی راه گشای مسیر خود اشتغالی در هنرجویان بوده و از طریق توجه به این عوامل می توان در زمینه بهبود آموزش برنامه ریزی نمود و موجبات تقویت روحیه کارآفرینی در هنر جویان را فراهم کرد تا از این راه به بروز و ظهور رفتار کارآفرینانه توسط هنرجویان و ایجاد یک کسب کار مستقل کمک نمود.

بیان مسئله:

ذکر این نکته ضروری است که رشد بیکاری در میان فارغ التحصیلان و عدم مثبت بودن تلاشهای صورت گرفته در سالهای اخیر در ارتباط با حل مشکل بیکاری، واز طرف دیگر حرکت به سمت کشاورزی رقابتی و مبتنی بر بازار سبب گردیده تا پرداختن به مقوله کار آفرینی از اهمیت بالایی برخوردار باشد در این راستا این سوال مطرح می شود که توجه به چه عواملی در سیستم آموزشی هنرستانهای کشاورزی باعث می گردد تا هنرجویان بعد از اتمام دوره یک واحد کسب و کار جدید راه اندازی نموده و بصورت بهینه مدیریت نمایند؟ ویا در آموزش کارآفرینی در هنرستان ها بر روی چه عواملی برنامه ریزی باید کرد تا میزان موفقیت و بروز رفتار کارآفرینانه افزایش یابد؟ کشاورزی ایران همواره یکی از بخشهای مهم در اقتصاد ایران بوده است بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۴ در فاصله سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۰ کشاورزی ایران بطور متوسط ۱۵/۲ درصد از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است همچنین سهم این بخش از درآمدهای حاصل از صادرات غیر نفتی معادل ۲۶ درصد بوده است (اگرچه در حال کاهش بوده است) اسکندری (۱۳۸۶) در حالی است که کشاورزی سهم کوچکی از واردات ایران را به خود اختصاص می دهد (۱۴ درصد) از طرف دیگر کشاورزی در ایران یک چهارم کل اشتغال ایران را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر ۲۵ درصد



از کل فرصتهای شغلی ایران مربوط به بخش کشاورزی است. لذا افزایش نرخ بیکاری در کشور وبخصوص در بین جوانان به عنوان یک مسئله بسیار مهم مطرح بوده که در این راستا توسعه کارآفرینی کشاورزی به عنوان یک عامل اثر گذار بر کاهش بیکاری مورد توجه می باشد .

اهمیت و ضرورت تحقیق:

بر اساس نظریات اقتصادی و تجربه های بدست آمده در اقتصادهای پیشرفته ودر حال رشد، کار آفرینان موتور محرکه رشد وتوسعه اقتصادی محسوب میگردند و اشتغال زایی یکی از ره آورهای مهم کار آفرینی می باشد لذا هر اندازه توجه بیشتری به موضوع کار آفرینی در حوزه آموزش وبه خصوص آموزشهای مهارتی شود خروجی آن برابر است با افرادی که می توانند از آموخته های خود در بر طرف نمودن نیازهای خود وجامعه استفاده نمایند واین یعنی بازدهی مناسب هزینه های آموزشی که بطور رایگان در اختیار هنر جویان قرار می گیرد با این توضیح چنین به نظر می رسد که هزینه نمودن در حوزه کار آفرینی دارای بازده مناسب برای جامعه خواهد بود .

با توجه به اینکه در سالهای اخیر کار آفرینی وپرورش موسسات کوچک ومتوسط به یکی ازمهمترین موضوعات اقتصادی درکشور های در حال توسعه جهان تبدیل شده است، بدون شک این اقبال وتوجه مجدد به اهمیت روحیه رقابت پذیری به سبب شکست اقتصادهای بسته،برنامه ریزی شده ومتمرکز بوده است همچنین این موضوع ناشی ازدستیابی برخی کشورهای غربی وآسیای شرقی به توسعه ورفاه چشمگیر می باشد که در سایه بسیج نیروهای خلاق وکار آفرینان ونیز دستیابی به مزایای حاصل از رقابتهای نسبتا نامحدود بوجود می آید باید خاطر نشان شد که این موضوع محقق نخواهد شد مگر آنکه در زمینه آموزش وبخصوص آموزشهای پایه شاهد نگرشی عمیق نسبت به آموزش عملکرد کار آفرینانه باشیم کاملا واضح است که کار آفرینی برای توسعه اقتصادی یک جامعه به عنوان یکی از ارزاترین ابزارها با بهترین نتیجه وبیشترین کار آیی می باشد وکار آفرینان از عوامل ضروری تغییر در یک اقتصاد مبتنی بر بازارند آنها امکان استفاده موثر وفزاینده از منابع را فراهم می آورند وداد وستد بین بخشها مختلف با امکانات والویتهای متفاوت را تسهیل می نمایند همچنین رفتار کار آفرینانه عامل شتاب دهنده تولید ،انتشار وکاربرد ایده های نو آورانه است ودر جوامعی که دستخوش تغییرات سریع اقتصادی هستند کار آفرینی تاثیرات زیانبار اجتماعی را از طریق ایجاد فرصتهای شغلی تعدیل می بخشد تاثیر عوامل موثر بر کارآفرینی بر این فرض استوار



است که جامعه ای می تواند توسعه و بهبود یابد که افراد آن بطور سیستماتیک و مداوم با تکنولوژی جدید آشنا شوند و در جهت بهسازی و رشد خویش گام بردارند و طرز برخورد و روبرو شدن با تغییرات و بهره برداری از فرصتها و نقش داشتن در آن را یاد بگیرند. با پی بردن به اهمیت و ضرورت کارآفرینی به نظر می رسد شناسایی عوامل موثر بر کارآفرینی می تواند در شکل گیری رفتار کارآفرینانه تاثیر گذار باشد.

اهداف تحقیق:

با در نظر گرفتن توضیحات تئوریک در بیان مسئله و به منظور تلاش برای پاسخگویی به این نیازها هدف کلی تحقیق حاضر بررسی عوامل اثر گذار بر موفقیت هنرجویان هنرستانهای کشاورزی در راه اندازی و مدیریت در تداوم کسب و کار موفق متناسب با آموخته های علمی می باشد.

در راستای دستیابی به هدف کلی فوق، اهداف اختصاصی زیر در نظر گرفته می شود:

- ۱- شناسایی ویژگیهای شخصیتی و روانشناسانه افراد و ارتباط آن با عملکرد کارآفرینی در هنرجویان هنرستان کشاورزی
- ۲- شناسایی نیازهای اقتصادی افراد و ارتباط آن با رفتار کارآفرینانه هنرجویان هنرستان کشاورزی
- ۳- شناسایی ارتباط محیط و سبک زندگی (روستایی) افراد با کارآفرینی هنرجویان هنرستان کشاورزی
- ۴- شناسایی تاثیر ویژگیهای جامعه شناسانه افراد و ارتباط آن با عملکرد کارآفرینی در هنرجویان هنرستان کشاورزی
- ۵- شناسایی تاثیر شبکه های اجتماعی و ارتباط آن با عملکرد کارآفرینانه هنرجویان هنرستان کشاورزی

سه مفهوم مهم در ادبیات کار آفرینی

در اینجا ضروری است تا سه مفهوم مهم در ادبیات کارآفرینی مطرح گردیده است تشریح گردد. این مفاهیم شامل کسب و کار کوچک¹، کارآفرینی² و ارزش آفرینی³ می باشد که در نوشته های مرتبط با کارآفرینی به کرات بجای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته اند و لذا لازم است در ابتدا معانی این سه واژه برای خوانندگان روشن گردد. واژه ارزش آفرینی دارای دامنه گستردهای از معانی و تفاسیر مختلف است در دیدگاه وسیع این واژه فراتر از کار آفرینی است و کسب و کارهای کوچک بوده است و شامل یک سری ویژگیهایی است که فرد بدانها مجهز می گردد بدون آن که لازم باشد حتما آنها را در زمینه خوداشتغالی و کسب و کارهای کوچک بکار برد. مفهوم محدود این واژه با واژه کارآفرینی یکی بوده و عمدتا در ارتباط با فرآیند راه اندازی، مدیریت و رشد کسب و کارهای کوچک به کار برده می شود. اگر چه در این دیدگاه نیز مفهوم واژه کارآفرینی بسیار لغزنده بوده و تعریف واحدی از آن وجود ندارد اما بطور کلی به نظر می رسد که محققان مختلف در زمینه ها و شرایط مختلف تعریفی را از آن بکار گرفته اند که بیشتر با شرایط موجود آنها سازگار باشد و لذا در



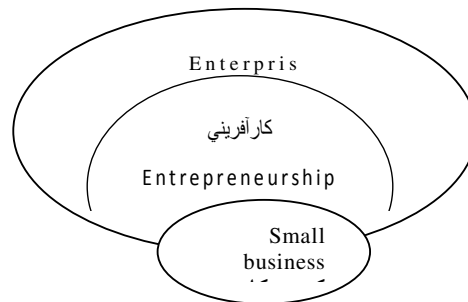
این زمینه مفاهیمی نظیر خوداشتغالی و کسب و کارهای کوچک نیز معادل کارآفرینی به کار گرفته می شود. واقعیت آن است که در دیدگاه محدود واژه های کارآفرینی و ارزش آفرینی با هدف ایجاد اشتغال و سودآوری اقتصادی و اجتماعی برای فرد و جامعه بکار گرفته شده است و اعتقاد بر این است که فرد از طریق راه اندازی یک کسب و کار کوچک برای خود و جامعه اش ارزش آفرینی می کند.

1. Small business

2. Entrepreneurship

3. Enterprise

لازم به ذکر است که در دیدگاه وسیع نسبت به واژه فراکارآفرینی آن را شامل یکسری ویژگیها می داند که عمدتاً شامل نوآوری، خلاقیت، سخت کوشی، پشتکار و دیدگاه مساعد نسبت به تغییر است. در این دیدگاه فراکارآفرینی متفاوت از کسب و کار کوچک و کارآفرینی است.



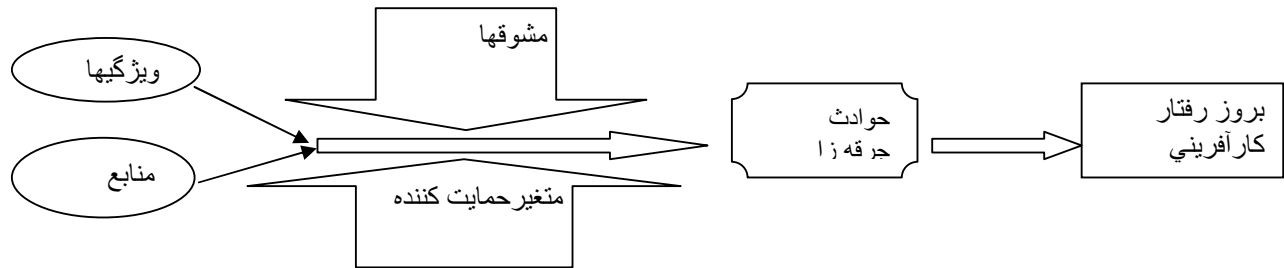
شکل 1 رابطه میان ارزش آفرینی، کارآفرینی و کسب کارهای کوچک (برایدی و همکاران، ۲۰۰۳)

دیدگاه تحقیق حاضر در مورد مفهوم کارآفرینی

بررسی ادبیات کار آفرینی حاکی از آن است که هیچگونه توافق و اجماع در زمینه مفهوم کارآفرینی وجود ندارد اما همانگونه که گیب (۱۹۹۷) نیز بیان می دارد هسته مرکزی توجه نسبت به کارآفرینی راه اندازی یک کسب و کار جدید است برداشتهای مختلفی از این مفهوم در میان زمینه های علمی که آنرا مورد مطالعه قرار داده اند وجود دارد برخی کارآفرینان را قهرمانان ملی می دانند که باعث بروز تحولات عظیم در اقتصاد کشورشان می گردند (اوجبور، ۲۰۰۰ به نقل از یان من، ۲۰۰۱) برای برخی دیگر مالکیت و راه اندازی کسب و کار مهم نیست و داشتن ویژگیهای نوآورانه و خلاقانه اهمیت دارد. استفانوس و جاریلو (۱۹۹۰) عده ای آنرا معادل کسب و کارهای رشد یابنده می دانند. یونگ و سکستون (۱۹۹۷) عده ای دیگر بر فرآیند توسعه تکنولوژی کلافتون (۲۰۰۰) تاکید می کنند بسیاری دیگر نیز آنرا معادل خوداشتغالی می دانند و رهول و همکاران (۲۰۰۲) عده ای نظیر تیمونس (۱۹۹۹) آنرا فرایند ارزش آفرینی از تقریباً هیچ قلمداد می کنند اما واقعیت این است که اگر صرفاً به این بعد از مفهوم توجه کنیم بسیاری از ابعاد ارزشهای کارآفرینی را به هدر داده ایم (گیب، ۲۰۰۲) عده ای تنها کسب و کارهایی را کارآفرینانه می دانند که گرایش به رشد و توسعه داشته باشند (یونگ و سکستون، ۱۹۹۷) اما حقیقت این است که در بسیاری از شرایط به ویژه در یک اقتصاد نامناسب و نامتعادل بقا و تداوم در



کسب و کار مستقل نیز به مثابه رشد و توسعه است و اگر فرد به صورت کارآفرینانه ننماید قطعا دوام نخواهد آورد بنابر این بدون رشد نیز می توان کارآفرین بود (گیب، ۲۰۰۲) کارآفرینی نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشورهای مختلف ایفا می کند. اهمیت و ارزش آن زمانی بر همگان آشکار گردید که دیوید بیرچ (۱۹۷۹)



شکل ۲- مدل ویژگیها و منابع در تشریح کار آفرینی (بریدی و همکاران، ۲۰۰۳)

کارآفرینی در کشاورزی

می توان گفت که کارآفرینی در کشاورزی به معنای به کارگیری خلاقیت و نوآوری در فعالیتهای مرتبط با کشاورزی می باشد. خلاقیت عبارت است از فرآیندی که طی آن واز طریق اکتشاف و یا باز ترکیب منابع موجود ایده های نو و مفید خلق می گردد. منظور از نوآوری بکارگیری موفقیت آمیز ایده های نو و مفید خلق شده به شکل تولیدات جدید، خدمات جدید و یا بازار جدید می باشد. هیگینس و مورگان (۲۰۰۰) نوآوری و خلاقیت می تواند به سه شکل در بخش کشاورزی اتفاق افتد:

۱) فعالیتهای درون مزرعه ای (۲) خدمات حمایتی کشاورزی (۳) کشاورزی ارزش افزوده

لازم به ذکر است که صرف داشتن نوآوری و خلاقیت به تنهایی منجر به بروز کارآفرینی نخواهد گردید مگر آنکه با کارکردها و توانمندیهای مدیریتی تلفیق گردد (بیتی، ۱۹۹۹) گیبمی گوید که تفاوت اصلی میان دو مفهوم در این است که آموزش ویژگیهای کارآفرینانه به معنای وسیع بر روی مهارتها و توانمندیها تاکید دارد که در هر شرایط و محیطی کاربرد دارد اما آموزش کارآفرینی عمدتا بر روی مهارتهای لازم جهت راه اندازی و مدیریت کسب و کار تمرکز دارد.

صارمی و علیزاده (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل تاثیر گذار بر فرآیند شناسایی فرصت های کارآفرینی بین کارآفرینان برتر به بررسی این سوال که چرا، چه وقت و چگونه برخی افراد در کشف فرصتهای کارآفرینی توانمند ظاهر می شوند می پردازند. که نتایج نشان می دهد که بین متغیر هوشیاری کارآفرینی، ویژگی های شخصیتی کارآفرین، شبکه اجتماعی، دانش اولیه و نیروی پیش برنده با شناسایی فرصت کارآفرینی ارتباط معنا داری وجود دارد.



ملکی و همکاران (۱۳۸۸) اقدام به بررسی باورهای مذهبی بر گرایش به راه اندازی یک کسب و کار جدید نمودند. یافته ها نشان می دهند که تاثیر نداشتن باورهای مذهبی بر راه اندازی کسب و کار به دلیل وجود متغیرهای میانجی است که باعث می شوند باورها به صورت غیر مستقیم تاثیر بگذارند. مطالعات در غرب نیز حاکی از آن است که باورهای مذهبی بر راه اندازی کسب و کار تاثیری ندارند.

مهرآبادی و مهدی (۱۳۸۷) در مطالعه ای با عنوان تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینی پس از بیان تاریخچه و کلیات علم کارآفرینی، به بحث در باره برنامه های آموزشی به عنوان یکی از راه کارهای توسعه و ترویج کارآفرینی می پردازد و اهداف طرح را در آموزش آن ونحوه ی ارزیابی تاثیر برنامه آموزشی در مطابقت با اهداف مذکور مرور می نماید.

دنیایی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان عوامل موثر بر تقویت توسعه کارآفرینی در تعاونیهای کشاورزی استان زنجان، نتایج بدست آمده نشان داد از دیدگاه مدیران تعاونی ها ارایه حمایتهای مالی و مالیاتی، اصلاح قوانین و مقررات بانکی و سازگار نمودن آن با شرایط کارآفرینان و تدوین سند ملی توسعه کارآفرینی مهمترین عوامل در تقویت کارآفرینی در تعاونی های کشاورزی به شمار می آیند. همچنین به استناد نتایج استنباطی تحقیق بین نمره کارآفرینی مدیران تعاونی و تحصیلات هیئت مدیره و همچنین بین نمره کارآفرینی و موفقیت تعاونی ها و تعداد کل اعضاء تعاونی ارتباط معناداری وجود دارد.

داوری و رضایی (۱۳۸۹) در مطالعه خود تحت عنوان نقش دولت و خط مشی های دولتی در توسعه کارآفرینی بیان می دارند که خط مشی های دولتی منجر به توسعه کارآفرینی می شود. همچنین الگوهای مهم خط مشی های دولتی بررسی توسعه کارآفرینی از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت با استفاده از ادبیات موضوع مدلی برای استفاده سیاست گذاران توسعه کارآفرینی ارائه می شود. اسکندری (۱۳۸۶) در رساله دکترای خود با عنوان بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران ضمن برسی اجمالی از تعاریف و مفاهیم به بررسی آموزش کارآفرینی در دانشگاه پرداخته و در کنار شناسایی عوامل موثر اقدام به معرفی راهکارهای توسعه کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی را مورد توجه قرار می دهد .

تحقیقات بیان شده و نیز سایر تحقیقات انجام شده در زمینه کارآفرینی بیشتر مربوط به حوزه دانشگاهی بوده و کمتر به سطوح پایین آموزش یعنی سطح دبیرستان ها و هنرستان ها پرداخته شده است لذا با توجه به سیاست گذاری نظام آموزشی در توسعه مهارت های فنی و حرفه ای و حرکت به سمت مهارت آموزی بیشتر در بین دانش آموزان و هنرجویان هنرستان ها در تحقیق حاضر با بهره گیری از نتایج و ثمرات تحقیقات گذشته سعی گردید عوامل اثر گذار در بروز رفتار کارآفرینانه در بین هنرجویان هنرستان های کشاورزی مورد شناسایی قرار گیرد تا در نهایت با بهره جستن از این



نتایج و بکارگیری فاکتورهای شناسایی شده برنامه ریزی مناسب جهت آموزش مناسب کارآفرینی در هنرستان هارا شاهد باشیم .

به منظور دستیابی به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سوالات مطرح شده در ارتباط با مسئله تحقیق و با توجه به اینکه تحقیق حاضر از نوع کاربردی است از روش توصیفی -پیمایشی در قالب اصول کلی روش علی-ارتباطی استفاده گردیده است. علت اصلی به کار گیری این روش ماهیت تحقیق، سوالات مرتبط با تحقیق و اهداف تحقیق بود بدین معنی که نوع روش تحقیق انتخاب شده با ماهیت سوال یا سوالات مرتبط با مسئله تحقیق و اهداف مربوط به آن سوالات تعیین گردید. لذا برای رسیدن به اهداف مشخص شده از روش توصیفی-پیمایشی استفاده گردید. در این تحقیق هدف اصلی عبارت است از بررسی و شناسایی عوامل مرتبط بر کارآفرینی در فارغ التحصیلان هنرستان های کشاورزی استان تهران که این عوامل باعث راه اندازی و تداوم یک کسب و کار موفق در یکی از زمینه های بخش کشاورزی شده است.

نیاز اقتصادی

ویژگیهای شخصیتی جامعه شناختی

کارآفرینی



شبکه های اجتماعی

محیط و شرایط زندگی

شکل ۳- عوامل موثر بر کارآفرینی در این پژوهش

البته باتوجه به گستردگی هر یک از عوامل ذکر شده شاخصهای مهم از هر عامل اثر گذار انتخاب گردید که به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول ۱- عوامل و شاخص های مورد مطالعه در تحقیق

عوامل	شاخصها
ویژگی های شخصیتی	انگیزه پیشرفت-ریسک پذیری-استقلال طلبی -مرکز کنترل درونی-تحمل ابهام
عوامل جامعه شناختی	آموزش -تجربه-الگوی نقش-موقعیت اجتماعی



شبکه های اجتماعی	گروه خانواده- گروه دوستان
محیط و شرایط زندگی	سبک زندگی-شرایط زندگی
نیاز اقتصادی	ترس از بیکاری- نیاز مادی

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق شامل هنرجویانی است که در هنرستان های کشاورزی استان تهران تحصیل نموده اند و پس از پایان تحصیلات متوسطه جذب بازار کار شده و موفق به راه اندازی یک کسب وکار و تداوم آن گردیده اند لذا با توجه به گستردگی و پراکندگی کارآفرینان از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده در روش نمونه گیری هدفمند محقق بصورت ارادی و عمدی کسانی را برای مشارکت در تحقیق انتخاب می کند که از تسلط و تجربه کافی در زمینه ابعاد مسئله تحقیق و موضوع تحقیق برخوردار بوده و در عین حال علاقمند به مشارکت در تحقیق باشد
 شهرستان محل فعالیت در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲- میزان مشارکت هنرجویان به تفکیک شهرستان محل فعالیت

نام شهرستان	درصد جامعه	حجم نمونه
شهریار	٪۳۰	۲۸
رباط کریم	٪۲۸	۲۵
ورامین	٪۲۲	۲۰
پاکدشت	٪۲۰	۱۹

ابزار گردآوری داده ها:

ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه پرسشنامه بوده است که پس از تدوین سوالات پرسش نامه برای تعیین قابلیت اعتبار و اعتماد به ترتیب ذیل عمل گردید:

الف) تعیین قابلیت اعتبار پرسش نامه: برای سنجش قابلیت اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوی استفاده شد
 ب) ضریب کرونباخ آلفا ۰/۹۳ محاسبه شد که نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق می باشد

جدول ۳- مربوط به قابلیت اعتماد پرسشنامه



عوامل	آلفای کرونباخ	شاخصها بررسی شده
ویژگی های شخصیتی	۰.۹۸۰	انگیزه پیشرفت-ریسک پذیری-استقلال طلبی -مرکز کنترل درونی-تحمل ابهام
عوامل جامعه شناختی	۰.۹۶۵	آموزش -تجربه-الگوی نقش-موقعیت اجتماعی
شبکه های اجتماعی	۰.۸۷۲	گروه خانواده وگروه دوستان
محیط وشرایط زندگی	۰.۹۵۰	سبک زندگی و شرایط زندگی
نیاز اقتصادی	۰.۹۸۲	ترس از بیکاری و نیاز مادی

تجزیه تحلیل:

با توجه به جدول ۴، فراوانی سن پاسخ دهندگان مشخص گردیده است. با توجه به اطلاعات بدست آمده بیشترین فراوانی مربوط به رنج سنی ۲۴-۲۶ سال با فراوانی نسبی ۳۱ درصد و سپس بیشترین فراوانی متعلق به رنج سنی ۳۰-۲۷ سال بوده که منطبق با بیشترین جمعیت استان در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال می باشد که بیشتر افراد بیکار نیز در این گروه سنی قرار دارند. لذا وجود افراد کارآفرین در این گروه سنی می تواند راهنمای مناسبی برای سایر افراد این گروه سنی باشد.

سن پاسخ دهندگان	فراوانی	فراوانی نسبی
سال ۲۱-۲۳	۱۷	۰.۲۰
سال ۲۴-۲۶	۳۱	۰.۳۸
سال ۲۷-۳۰	۲۵	۰.۳۰
۳۰ به بالا	۸	۰.۰۹۸
جمع	۸۱	۱

سن پاسخ دهندگان

بر اساس تعداد افراد شاغل در آن است همانگونه که از اطلاعات

جدول ۴- فراوانی

در جدول ۵ کسب و کارها

مورد بررسی قرار گرفته

جدول پیداست بیشترین فراوانی مربوط به مشاغلی است که تعداد افراد شاغل در آن بین یک تا چهار نفر می باشد.

جدول ۵- فراوانی تعداد شاغلین در کسب و کارهای مورد مطالعه

مد	فراوانی نسبی	فراوانی	گروه
گروه ۱-۴ نفر	۰.۷۰	۵۷	۴ تا ۱
	۰.۲۳	۱۹	۵ تا ۸
	۰.۰۵	۴	۹ تا ۱۱
	۰.۰۱	۱	۱۲ تا ۱۵
	۱	۸۱	کل

در انجام این پژوهش از دو نوع تحلیل شامل تحلیل آماری توصیفی و تحلیل آماری استنباطی استفاده شد. در تحلیل آماری استنباطی از آزمون تی یک نمونه ای استفاده گردید. که نتایج مربوط به هر فرضیه در جدول شماره ۶ ارایه گردیده است



جدول ۶- بررسی نهایی نتایج فرضیات

نتیجه	نتیجه آمار	سطح معنی دار دو دامنه	آماره آزمون	میانگین	مؤلفه
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	6.344	3.303704	ویژگی های ریسک پذیری با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	5.232	3.249383	ویژگی های مرکز کنترل درونی با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.008	2.734	3.134568	ویژگی انگیزه پیشرفت با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	5.219	3.2691	ویژگی تحمل ابهام در افراد با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	3.785	3.2152	ویژگی استقلال طلبی با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	5.203	3.2634	گروه خانواده و گروه دوستان با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید نمیگردد	فرض صفر رد نمی شود	.057	1.928	3.135802	ویژگی های سبک و شرایط زندگی با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.002	3.129	3.2130	ویژگی های آموزش با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید نمیگردد	فرض صفر رد نمی شود	.194	1.311	3.1296	تجربه کاری با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	3.783	3.2593	الگوی نقش با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	5.750	3.3704	موقعیت اجتماعی افراد با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.
تایید میگردد	فرض صفر رد می شود	.000	7.370	3.4753	ترس از بیکاری و نیاز مادی با بروز عملکرد کارآفرینانه هنرجویان مرتبط است.

نتیجه گیری:

با توجه به تحولات سریع و شگرف علم و فناوری در دنیا وجهانی شدن اقتصاد به نظر می رسد سرمایه گذاری برای حضور موثر و کارآمد هنرجویان در بازار کار، علاوه بر اینکه می تواند موجب علمی شدن فعالیت ها و مشاغل و استفاده بهینه از امکانات و منابع گردد، توان کارآفرینی را نیز در فارغ التحصیلان افزایش می دهد. از میان شاخصهای مربوط به ویژگی های شخصیتی پنج شاخصه مورد ارزیابی قرار گرفت از ویژگی شخصیتی هر ۵ شاخص ریسک پذیری، مرکز کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، تحمل ابهام در اقدام به اقدام افراد به فعالیت در زمینه کار آفرینی ثر زمینه کشاورزی موثر بوده در ویژگی های شخصیتی مشخص گردید بروز یک فعالیت کارآفرینی با آموزش، کسب موقعیت اجتماعی و الگوی نقش مرتبط می باشد. به بیان دیگر افراد کارآفرین در زمینه کشاورزی این سه عامل را در بروز رفتار کارآفرینانه خود موثر و مرتبط می دانند. گروه خانواده و گروه دوستانه که از مؤلفه های شبکه اجتماعی می باشند نشان داد هر دو گروه می توانند در بروز رفتار کار آفرینی توسط افراد موثر باشند از عوامل محیطی اثر گذار دمولفه شامل -سبک زندگی روستایی، شرایط زندگی (رفاه) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که افراد مورد مطالعه



هیچ یک از مولفه های فوق را مرتبط با بروز رفتار کارآفرینی تشخیص ندادند در بررسی عوامل اقتصادی ترس از بیکاری و نیاز مادی از عوامل اثر گذار و مرتبط با بروز کار آفرینی در افراد می باشند

پیشنهادها:

بکارگیری نتایج تحقیق در تربیت معلمان و هنرآموزان هنرستانهای کشاورزی با در نظر گرفتن نتایج تحقیق پیشنهاد می شود ادارات آموزش و پرورش جهت شناخت بیشتر معلمان هنرستان ها نسبت به عوامل مرتبط با کارآفرینی با محوریت نتایج تحقیق اقدام به تشکیل کلاسهای ضمن خدمت نمایند

کارگیری نتایج تحقیق در تالیف کتاب کارآفرینی

با توجه به ارتباط آموزش و بروز رفتار کارآفرینی توسط فارغ التحصیلان پیشنهاد می شود کتاب کارآفرینی مختص رشته های کشاورزی تالیف گردد.

بکارگیری نتایج تحقیق در فعالیت مشاوران هنرستان های کشاورزی

مشاوران به عنوان افراد مطلع و آگاه نسبت به ویژگی های شخصیتی و جامعه شناختی می توانند با بهره گیری از نتایج تحقیق، زمینه شناخت، علاقمندی و ترغیب هنر جویان را به انجام فعالیت کارآفرینی فراهم نمایند.

بکارگیری نتایج توسط هنرجویان

هنرجویان می توانند با توجه به نتایج حاصله عوامل مرتبط با کارآفرینی را شناخته و در صدد ارتقاء این ویژگی ها برآیند تا در نهایت با تقویت عواملی مانند ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، تحمل ابهام، استقلال طلبی، مرکز کنترل درونی، آموزش، الگوی نقش، کسب موقعیت اجتماعی، نیاز اقتصادی و بهره گیری از گروه خانواده و دوستان سعی در ایجاد یک فعالیت کارآفرینی مرتبط با آموخته های هنرستانی پس از فارغ التحصیلی نمایند.

منابع

اسکندری، فرزاد ۱۳۸۶ بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کار آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران، رساله دکتری، تهران، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

حیدری، احمد ۱۳۸۹ کار آفرینی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی

رضازاده صابر، فیروزه، ۱۳۷۹ راهکارهای توسعه کار آفرینی زنان در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت صنعتی تهران، سازمان مدیریت صنعتی

رحیمی، غلامحسین (سازماندهی کار آفرینی در دانشگاه) چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست روسای دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی ۱۳۸۰



زمانی ، غلامحسین ، ۱۳۸۰ پیش بینی نیازهای انسانس بخش کشاورزی و آسیب شناسی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی ، تهران، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم و تحقیقات

ساکتی ، پرویز ۱۳۸۰ بررسی رابطه ابعاد اشتغال در بخش غیر دولتی با ویژگیهای فردی ، رشته تحصیلی و فعالیتهای اقتصادی دانش آموختگان شاغل در استانهای جنوبی ایران ، تهران ، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و وزارت علوم و تحقیقات

فیض بخش ، علیرضا و همکاران ، ۱۳۸۱ اصلاح ساختار های حمایت دولت از کار آفرینی ، تهران ، مرکز کار آفرینی دانشگاه شریف

مرکز پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی کشور، ۱۳۸۵ ، آمار آموزش عالی ، تهران ، مرکز پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی کشور

1. Bridge, S.(2003).Understating enterprise ,entrepreneurship, and small business. Palgrave Macmillan, U S A
۲. Gibb.A. (2002). In pursuit of a new enterprise and entrepreneurship paradigm for learning :Creativedestruction,newvalues,new ways of doing thing and new combination of knowledge,International Journal of management Reviews Vol. 4,Issue3,Pp. 233-262
۳. Klofsten,magnos.(2000).Training Entrepreneurship at universities:Aswedishcase.
۴. Stevenson,H.&Jarillo, J.(1990). A paradigm of entrepreneurship :Enterpreneuraial management. strategic management Journal (special issue),17-27
۵. Timmons JA.(1999).New venture creation: entrepreneurship for the 21 steentury. BurrRidge:Irwin
۶. Verheul,I.S.Wennekers ,D.Audrestsch and A.R.Thurik ,(2002).Aneclectic theory of entrepreneurship,inD.B.Audretsch,A.R.Thurik,I.VerheulandA.R.M.wennekers(eds)
- ۷.Yongng,J.E. and Sexton,D.L.(1997)Entrepreneurial learning: a comceptual framework Journal Eterprising culture .5,223-249



investigate factors related to entrepreneurship of students educate at agricultural colleges in Tehran province

shahab nabizade^{1*}, nazila nabizade², hossein zinati³

¹graduated in ma degree of agricultural managementmianehunit, azad university

²m.sc.student of rural development ,university of zanzan

³m.sc.student of rural developmentof,university of tehrn

Abstract

The main goal of this study is to investigate factors related to entrepreneurship of students educate at agricultural colleges in Tehran province. The statistical population is limited to those students found an appropriate job related to their academic background after graduation. with at least 2 years records. For this purpose, those graduated between 1378 and 1387 were selected.. Using information available in studied colleges and applying purposive sampling 81 questionnaires were distributed. The reliability of the data collected was confirmed by the calculated Cronbach's alpha coefficient equal to 0.93. Our results indicated that 10 out of 12 independent variables studied had significant relationship with the entrepreneurship of students. These variables are: risk capability, internal control center, achievement motivation, tolerance of ambiguity, willing to be independent, family and friends group, education, role pattern, social position, fear of unemployment, and financial support. The other two variables are life style, and work experience. We finally propose suggestions to improve the current condistions in order to increase the entrepreneurship among students graduated from agricultural colleges.

Keywords: entrepreneurship, students, college, agriculture, Tehran